

تأثیر راهبرد اقتصاد مقاومتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

صارم شیراوند^۱

ابوذر عمرانی^۲

فرشته معبودی نژاد^۳

ذوالفقار دیده دورا^۴

چکیده

در پی مجموعه تحریم‌های اعمال شده توسط نظام سلطه جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی با تهدیدهایی مواجه شده است. مجموع شرایطی که در نتیجه تحریم‌ها به وجود آمده باعث شد که عرصه جدیدی به نام اقتصاد مقاومتی برای استمرار و تجلی اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم شود. در این راستا سؤالی که مطرح می‌شود این است که استراتژی اقتصاد مقاومتی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه اقتصاد مقاومتی باعث ایجاد توان اقتصادی در داخل کشور می‌شود و این مسئله هم در تقلیل تهدیدات خارجی و هم ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی و ارتقا ضریب امنیت ایجابی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. توان اقتصادی هر کشوری نه تنها در حفظ استقلال و حاکمیت ملی نقش اساسی را بازی می‌کند، بلکه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی بویژه برای کشورهای دارای اهداف وسیع سیاسی و ایدئولوژیک مهمترین عامل محسوب می‌شود، زیرا قدرت اقتصادی با تولید ثروت، منابع لازم برای افزایش و حفظ قدرت نظامی را ایجاد می‌نماید.

واژه‌گان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، امنیت ملی، امنیت اقتصادی، انقلاب اسلامی، مکتب کپنهاگ.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sarem_shiravand@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، تهران، ایران

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مخالفان چه در عرصه داخل و چه خارج، سعی در این داشتند که این نظام نوپا را از پای در آورند. در ابتدا دشمنان انقلاب سعی کردند با شیوه‌های سخت افزاری و نظامی انقلاب را از بین ببرند، حمله عراق به ایران و ۸ سال جنگ تحمیلی از مظاهر اینچنین اقداماتی بود. پس از آن، عصر تقابل به فضاهای نرم و هوشمند رسیده است. البته از ابتدا نیز این نوع از جنگ وجود داشته، لیکن شدت و حجم آن گسترش یافته است. حوزه‌ها و فضاهای گوناگون علمی، اقتصادی و سیاسی شاهد این تقابل بوده و هستند. امروزه ابعاد جدیدی برای امنیت و تهدیدهای امنیتی مطرح است. در این رویکرد، امنیت و تهدیدهای امنیتی دیگر به تهدیدهای نظامی محدود نمی‌شود، بلکه در حوزه مباحث اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و انسانی گام گذاشته است. مکتب کپنهاگ با سردمداری بری بوزان، در بررسی و تحلیل ابعاد مختلف امنیت ملی کشورها پیشگام بوده‌اند. بوزان ۵ نوع امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی را از یکدیگر تفکیک کرده و جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد. به همین دلیل برای بررسی معضلات امنیتی در کشورهای مختلف این رهیافت می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

امروزه یکی از مهمترین تهدیدهای پیش رو، تحریم‌های اقتصادی است که مستقیماً امنیت ملی را به چالش می‌کشد. مجموع شرایط پیش آمده بر اثر تحریم‌ها باعث شد که عرصه جدیدی برای استمرار و تجلی اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم شود. این عرصه که با ظهور مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» تجلی یافته، بیانگر مجموعه تعاریف، شاخص‌ها و سیاست‌هایی است که اقتصاد ملی را بر اساس شرایط مستحدثه، تدوین و نوعی انعطاف‌پذیری و اقتدار هم‌زمان را برای این حوزه فراهم می‌آورد. با گسترش تحریم‌ها علیه ایران، یک ضرورت بیش از پیش نمایان شده و آن دستیابی به یک الگوی مقاومتی از اقتصاد است؛ الگویی که در برابر بحرانهای اقتصادی رویکردی فعالانه دارد و می‌تواند در شرایط بحرانی موانع را برطرف کند.

پس اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط چنین موضوعی است. طبق مباحث فوق سؤالی که در این رابطه مطرح می شود این است که اقتصاد مقاومتی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ یا به عبارتی دیگر اقتصاد مقاومتی چگونه می تواند عاملی بازدارنده علیه تهدیدات امنیت ملی ایران باشد؟ باید توجه داشت که بحران اقتصادی به بحران فرهنگی می انجامد و بحران فرهنگی نیز به ناهنجاری و نابسامانی های اجتماعی منجر می شود و در نهایت چنین جامعه ای تحت تأثیر و کنترل ملتها و کشورهای دیگر، استقلال خویش را از دست می دهد. در این صورت حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن جامعه نیز تحت تأثیر این سلطه دچار دگرگونی های عمیقی می شود.

هدف از انجام این تحقیق برجسته کردن یکی از پارامترهای قدرت، یعنی قدرت اقتصادی است که نقش مهمی در جهان امروزی برای مقابله با تهدیداتی که امنیت ملی را به مخاطره می اندازد دارد. همچنین باید اشاره نمود که اگرچه در مورد اقتصاد مقاومتی و اصول، موازین، ویژگی ها و راهکارهای دستیابی به آن تحقیقات زیادی صورت گرفته است، ولی به جرأت می توان گفت در مورد رابطه ای که بین اقتصاد مقاومتی و امنیت ملی وجود دارد، در محیط علمی و آکادمیک تحقیقی جامع صورت پذیرفته است. در این پژوهش به لحاظ تئوریک سعی شده است در جهت پیدا کردن پاسخی جامع برای پرسش پژوهش و پر کردن بخشی از کاستی ها و خلأهای نظری و محتوایی گام برداشته شود.

۱. چارچوب نظری: مفهوم امنیت در مکتب کپنهاک^۱

کانون توجه مکتب کپنهاگ به مطالعات امنیتی دوره پساجنگ سرد و تحولات گسترده ای که در حوزه امنیت رخ داده، می باشد (Buzan, 2006). یکی از بحث های

^۱ Copenhagen School

هستی‌شناختی مکتب کپنهاگ اهمیت مطالعه دولت و فرد در قالب بحث ساختار-کارگزار در مسائل هستی‌شناسانه است. به عبارتی دولت به عنوان یک ویژگی جمعی می‌تواند یک سطح تحلیل برای مطالعه امنیتی باشد ولی امنیت فردی نیز خود می‌تواند در نگرش فوق مطالعه شود، چرا که دیگر دولت تنها موضوع و میدان‌دار امنیت نیست. از مباحث دیگر هستی‌شناختی مکتب کپنهاگ نگاه تاریخی این مکتب به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ می‌باشد. در واقع به عبارتی با توجه به مسأله هنجار است که هویت و امنیت رابطه‌ای دوسویه پیدا می‌کند و در حقیقت زبان، تاریخ، فرهنگ و حتی نژاد و مرزهای سیاسی در تعیین هویت و سپس امنیت دارای نقش مهمی هستند (Fusfield, 1988: 48).

بوزان و ویور به منظور فهم امنیت معتقدند که ابتدا بایستی دولت را بررسی کرد چرا که دولت امری است که در اجتماع شکل می‌گیرد. ماهیت تأسیسی و نه طبیعی دولت‌ها نشان می‌دهد که امنیت نیز کاملاً برساخته تصور آدمیانی است که در اجتماع زندگی می‌کنند و تصور همین آدم‌ها، بعضاً واقعی و غالباً خیالی است. در رابطه با مادی‌گرایی یا معناگرایی مکتب کپنهاگ باید توجه داشت که نظریه پردازان مکتب مذکور عنصر هویت را وارد مطالعه خود می‌کنند و قائل به توزیع مادی قدرت نیستند و به مؤلفه‌های فرامادی هم می‌اندیشند. حتی برای عناصر فراملی قدرت نقش بیشتری قائلند. تبیین فراملی امنیت نه با نگرش پیچیده و چند بعدی پسااثبات‌گرایی و نه با نگرش ساده و قاطع و تعصب‌آمیز اثبات‌گرایی میسر است (Steve, 2006: 15). مکتب کپنهاگ معتقد است هویت با روندها ساخته می‌شود و اینکه به طور عینی و کاملاً از پیش ساخته باشد را رد می‌کنند. هویت افراد در اجتماع مشخص می‌شود، زیرا جوامع به تهدیدات عکس‌العمل نشان می‌دهند، یعنی هویت خویش را انتخاب و از آن دفاع می‌کنند. به عبارت دیگر، مکتب کپنهاگ با امنیت هستی‌شناسانه، هویت را در موقعیت‌های خاصی به عنوان یک موضوع امنیتی و به عنوان یک امر قابل تغییر انگاشته و نشان می‌دهد که هویت در اجتماع ساخته می‌شود (Buzan

(28: 2000, Waver and این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای را بر آن بیفزاید در این راستا امنیت را در ابعاد مطالعات امنیتی این مکتب را می‌توان به صورت موردی این گونه شرح داد که در ادامه به صورت اجمالی به بررسی آنها می‌پردازیم: ۱- امنیت موضوعی بین‌ذهنی است ۲- تهدید محوری در مفهوم امنیت ۳- دولت محوری در مرجع امنیت ۴- امنیت موسع در برابر مضیق (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲). مکتب کپنهاک با ارائه تفسیری موسع از امنیت در مقابل رویه‌های مضیق آن، به حق اقدامی ارزشمند در شناساندن دقیقتر مفهوم امنیت انجام داده است. بوزان به شکلی بسیار مبسوط، مستدل و قوی امنیت مضیق را زیر سوال برده و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد. باری بوزان معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مسأله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. او می‌گوید: «امنیت را باید چند بعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنائی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود». از نظر بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی فراملی و فروملی رسانه‌ها و تروریسم همگی در وجوه امنیت مرجع هستند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲: ۱۴۹-۱۴۸).

توجه به معانی لغوی واژه امنیت و تعاریف مختلف این نکته را آشکار می‌سازد که «تهدید» هسته مرکزی این مفهوم را تشکیل می‌دهد. تهدید می‌تواند ابعاد عینی و ذهنی داشته باشد. در بعد عینی، امنیت را می‌توان به عنوان فراغت از تهدید تعریف کرد. در بعد ذهنی مراد از امنیت، احساس آرامش و یا عدم احساس تهدید و عدم احساس ترس ناشی از آن از سوی محیط‌های دور و نزدیک فرد است. البته این دو بعد معمولاً با یکدیگر همبستگی قوی دارند، هر چند در تحلیل نهایی، اولی تا حد زیادی تعیین کننده دومی است (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). دربارهٔ واژه امنیت ملی نیز بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم نظریه‌پردازی زیادی صورت گرفته است. با اندکی تسامح، امنیت ملی را می‌توان توانایی

یک نظام سیاسی در حفظ و تقویت ارزش‌های اساسی و حیاتی آن کشور دانست؛ لذا می‌توان دو بعد اساسی برای امنیت ملی هر کشوری قائل شد: یکی، بعد سلبی که دلالت بر رفع و تقلیل تهدیدهای موجود دارد و دیگری، بعد ایجابی که حکایت از ارتقا و بهینه‌سازی وضعیت زیست‌بوم جوامع در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... دارد (زارع زاده، ۱۳۹۲: ۹). رابرت ماندل امنیت ملی را چنین تعریف نموده است: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی بوده و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (نویدنیا، ۱۳۸۵، ۵۶). در مطالعات جدید امنیت از جمله در مکتب کپنهاگ، ابعاد متعددی به مفهوم امنیت افزوده شده و امنیت از مفهومی تک بعدی (مضیق) به مفهومی چند بُعدی (موسع) تبدیل شده است که از مباحث زیست محیطی و اقتصادی گرفته تا تهدیدات نظامی را شامل می‌شود. با جهت‌گیری‌های جدید، شرایط و وضعیت داخلی نظام نیز مورد توجه قرار گرفت و لزوم بررسی موقعیت زندگی شهروندان ضرورت یافت (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۵۷). بوزان با بیان اینکه هدف از مفهوم گسترده امنیت، کاهش گرایش نظامی از طریق تعمیم دستور کار امنیت به سایر بخش‌هاست، با احصاء مصادیق تهدیدات نوین غیرنظامی مثل مسأله بدهی جهانی، تورم، کمبود سرمایه و کشمکش‌های تجاری، ضعف و ناکارآمدی، بالا آمدن سطح آب دریاها و غیره، نتیجه می‌گیرد که دیدگاه گسترده امنیت باید حاوی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز نظامی باشد (کریمی‌مله و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۲). بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» امنیت را به چند دسته تقسیم می‌کند: امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، فرهنگی، امنیت محیط زیست (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد امنیت مودر نظر مکتب کپنهاگ، یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت (زارع زاده، ۱۳۹۲: ۱۲). جنبه‌های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از: رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی

کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد در گذشته و همین طور بهبود شرایط فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها می‌باشد. یا بنا به گفته ماندل: «امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم در بازارهای بین الملل» (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

بوزان نیز در سه سطح فردی، گروه‌ها و طبقات به موضوع امنیت اقتصادی می‌پردازد. از نظر وی، در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، سرپناه و آموزش) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است. به نظر بوزان، امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی‌شود، بلکه تأمین این امنیت به معنی حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است و به عنوان نمونه؛ اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانیم. بدین ترتیب می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی بوده و عبارتست از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان؛ یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه، به طوری که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر ننموده و آرامش و آسایش آنها سلب نگردد. در مورد اقتصاد مقاومتی و بحث مربوط به تحریم‌ها نیز بیشتر امنیت اقتصادی مد نظر است.

۲. اقتصاد مقاومتی؛ تعاریف، مؤلفه‌ها

اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود. در واقع، اقتصاد مقاومتی بنیان نظری و عملی

برای مدل‌سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده ساخته است (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳). بنابراین اصطلاح اقتصاد مقاومتی در دو مفهوم تعریف می‌شود؛ اول توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی، دوم توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها. در واقع دو راهبرد در اقتصاد مقاومتی شامل مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی است که هر دو راهبرد می‌تواند اقتصاد مقاومتی را ارتقاء دهد و بنیانی نظری و عملی برای مدل‌سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش از پیش آماده ساخته است، فراهم کند (قاضی زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶).

در مجموع این واژه یک مفهوم اقتصاد سیاسی است تا یک مفهوم اقتصادی صرف، و به دنبال راه حل‌های اقتصاد سیاسی می‌باشد که در عمل و کاربرد بتواند مبتنی بر اقتصاد اسلامی، نه تنها بر بحران‌های ایجاد شده در عرصه اقتصاد سیاسی فائق آید، بلکه مسیر اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده‌نگری لازم نیز اتخاذ شده باشد. اقتصاد مقاومتی به اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن حوزه‌های فشار به اقتصاد در اثر تحریم‌ها شناسایی شده و نسبت به کنترل و بی اثر کردن آن فشارها از سوی مراکز تصمیم‌گیری اقدام لازم به عمل می‌آید (سیف پور و شهیادمنش، ۱۳۹۲).

مهمترین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا به دستگاه‌های مختلف ابلاغ شد، بدین شرح می‌باشد:

- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط. باید توجه داشت که این اقتصاد درون‌زا است؛ یعنی از دل ظرفیت‌های

کشور و مردم می جوشد. رشد این نهال به امکانات کشور متکی است. اما اقتصاد مقاومتی درونگرا نیست؛ یعنی اقتصاد کشور محدود و محصور به قابلیت های داخل کشور نمی شود. این اقتصاد با اقتصاد جهانی تعامل دارد و با قدرت با آنها روبرو می شود، پس اقتصاد مقاومتی درونزا است ولی درونگرا نیست (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۶). اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. در این مسیر توانمند کردن بخش خصوصی و حمایت از تولید ملی بسیار مهم می باشد (خلیلی، ۱۳۹۱: ۲۴). مزایای بسیاری در حمایت از تولید داخلی نهفته است که از جمله آنها می توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، کمتر شدن فشار تورمی، توجه به نمادهای داخلی در صنایع مختلف، تقویت بخش خصوصی، کاستن از بار مالی دولت، ارزآوری کالاهای غیر نفتی و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد (عربی، ۱۳۹۲: ۱۳).

- پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه. اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار می گیرند. اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که در آن تولید و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمام صنایع است (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۶۵).

- محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور. اقتصاد مقاومتی به دنبال تقویت توانایی های جامعه، گروه های اجتماعی و نهادها برای مقاومت یا مواجهه بهتر با شوک ها و فشارهای مختلف است (اخباری و قلی زاده، ۱۳۹۴: ۵۷).

- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بوئزه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.
- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز (لامعی و استاد حسین، ۱۳۸۰: ۲).

۳. امنیت ملی در پرتو اقتصاد مقاومتی

۳-۱. اقتصاد مقاومتی راهکار مقابله با تحریم

جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت اسلامی و ضد هژمونیک آن همواره دستخوش ناملایمات جهانی قرار گرفته که نمود آن را می‌توان در تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب به‌ویژه امریکا مشاهده کرد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱). با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظامی به حاکمیت رسید که وجه مشخصه آن مقابله با نظم موجود بین‌المللی بود. به همین دلیل در اصطلاح‌شناسی روابط بین‌الملل، ایران پس از انقلاب به عنوان دولت تجدید نظر طلب در نظر گرفته می‌شود (Mohammad nia, 2010:160).

این دولت تجدید نظر طلب منافع ایالات متحده امریکا را در منطقه مستقیماً به چالش کشید. تقریباً تمام تحریم‌ها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی از جانب امریکا بوده و یا با تحریک امریکا شکل گرفته است (فدایی و درخشان، ۱۳۹۳، ۱۱۴). در طول سال‌های بعد از انقلاب، همواره تحریم‌های اقتصادی یکی از راهبردهای امریکا در مقابله با سیاست‌های و

رویکردهای جمهوری اسلامی ایران بوده است (Jentleson, 2007: 8). در طی سال‌های بعد جریان تحریم‌ها تداوم یافت. در سال‌های اخیر نیز به بهانه غنی‌سازی اورانیوم و جریان انرژی هسته‌ای، امریکا توانست متحدانی در بین سایر کشورهای اروپایی برای تحریم‌های مالی و تجاری علیه ایران پیدا کند و شدت تحریم‌های گذشته را نیز افزایش دهد (فدایی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۴). بدون تردید اعمال تحریم‌ها بر اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی ایران به ویژه در بخش‌های انرژی و صنعت نفت صدمه‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است. همچنین در زمینه اشتغال، تورم، نرخ ارز و در نتیجه کاهش ارزش ریال، و سایر موارد، هزینه‌هایی را بر کشور تحمیل کرده است (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۴). تمامی هزینه‌های نشأت گرفته از تحریم، ناشی از این است که نظام اقتصادی ایران همواره از فقدان الگو و راهبردی مشخص برای مدیریت اقتصاد و مقابله با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از تحریم‌ها رنج می‌برد. بدین گونه بود که ادبیات اقتصاد مقاومتی برای مقابله با اثرات این تحریم ارائه شد. با توجه به اینکه ایران از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و نقاط قوت اقتصادی فراوان و متعددی برخوردار است، در شرایطی تحریم با بکارگیری صحیح ظرفیت‌های خود می‌تواند در راستای مقابله با پیامدهای تحریم و حتی تأمین منافع ملی گام بردارد. ولی رسیدن به منافع ملی در این شرایط نیازمند عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی مانند طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران و گام برداشتن در پرتو فرصت‌هایی که در شرایط رویارویی با تحریم‌های اقتصادی به دست می‌آیند، از قبیل فرصت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش تعامل و همکاری با دیگر کشورهای جهان می‌باشد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۴). در ذیل به مهمترین مباحث مربوط به تحریم‌های اقتصادی و به تبع آن، در معرض خطر قرار گرفتن امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود.

۳-۲. استقلال اقتصادی جلوه ای از امنیت ملی

استقلال نیز مانند امنیت ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد، اما اهمیت استقلال اقتصادی فزون تر است، زیرا لازمه وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی و فرهنگی است و اگر استقلال اقتصادی از میان برود استقلال سیاسی و فرهنگی نیز نابود می شود (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). استقلال اقتصادی وقتی به دست می آید که یک کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آنگونه که خود تشخیص می دهد تعقیب کند. لازمه این استقلال خودکفایی در کالاهای ضروری و استراتژیک است. جامعه ای که در این مورد به دشمنان نیازمند است هیچ گاه نمی تواند سخن از استقلال به میان آورد (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۵). مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

امروز مسئله اصلی کشور ما استقلال است، انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد، اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را حفظ کند، باید پایه های اقتصادی خود را محکم کند. این ریشه دواندن استقلال در کشور است و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخش های گوناگون که از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته تا توی محیط کارگاه ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا باید این نوآوری وجود داشته باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۴، ۲، ۱۳۸۷، میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۶).

در هر صورت تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهمترین شرایط پیشبرد امنیت ملی آنهاست. در این خصوص توسعه اقتصادی مهمترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می یابد (تودارو، ۱۳۷۷: ۳). قدرت اقتصادی و سایر ابعاد قدرت ملی مکمل یکدیگر و عوامل بازتولیدکننده همدیگرند. قدرت نظامی بستر امنیتی و قدرت سخت ملی برای ایجاد ساختارهای زیربنایی اقتصادی و شکل گیری بستر مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم می آورد. از سوی دیگر قدرت اقتصادی نیز با تولید ثروت، منابع لازم برای افزایش و حفظ قدرت نظامی را ایجاد می نماید. به همین ترتیب امنیت نظامی و امنیت اقتصادی نیز

مکمل و سازنده یکدیگرند و نمی‌توان یکی را بدون دیگری تصور کرد. اساساً امنیت نظامی واقعی بدون وجود امنیت اقتصادی (که لازمه رشد اقتصادی است)، شکل نمی‌گیرد و در صورت ایجاد نیز تداوم نخواهد داشت (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۴). باید دقت نمود که مهمترین تهدیدهای پیش‌رو برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های اقتصادی است که مستقیماً امنیت ملی را مورد توجه می‌دهد. تحریم‌های تحمیلی بر اقتصاد ایران امکان اشتغال و رشد تولیدات صنعتی را از این کشور با داشتن جمعیت متراکم جوان جویای کار، خواهد گرفت. همچنین تحریم‌ها زمینه‌سازی‌های روانی و تبلیغاتی جهت به اجرا درآمدن انواع تهدیدهای نرم و سخت خارجی و افزایش فشارهای دیپلماتیک بر ایران را در پی دارد (بی‌نیاز، ۱۳۹۰: ۵۸۷).

انتظار آمریکایی‌ها این است که مجموعه تأثیرات منفی اقتصادی فوق تدریجاً راه را بر زوال و از هم فروپاشی درونی اقتصاد و نهایتاً سیاست ایران باز نماید، آنگاه با حمله نظامی به بهانه ای مانند دست زدن به یک اقدام پیش‌دستانه به منظور پیشگیری از تهدید جدی اتمی ایران، برای پایان بخشیدن به عمر نظامی که قبلاً از نظر اقتصادی به اندازه کافی تضعیف شده، کفایت خواهد نمود (بی‌نیاز، ۱۳۹۰: ۵۸۷). برای جلوگیری از وابستگی اقتصادی و کاستن از تهدیدات، باید به منابع داخلی متکی شد. این امر نیاز به برنامه‌ریزی، تلاش و همت مضاعف و فرهنگ سازی دارد. مخصوصاً در دوران تحریم این مسئله اهمیت مضاعفی می‌یابد. اقتصاد مقاومتی برای مقابله با وابستگی اقتصادی و کم کردن آثار تحریم‌ها شکل گرفته است. با کاربست صحیح اقتصاد مقاومتی می‌توان بر بسیاری از تهدیدها که از درون و بیرون از مرزها متوجه کیان نظام اسلامی است فائق آمد.

۳-۲-۱. کارکرد اقتصاد در حوزه امنیت

کارکرد اقتصاد در حوزه امنیت - اعم از امنیت ملی و فراملی - به نحو چشمگیری برجسته، و به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل گردیده است. امروزه نقش عوامل اقتصادی به طور عام و مسئله توسعه اقتصادی به طور خاص در تأمین و حفظ امنیت ملی کشورها بسیار مهم

است، تا حدی که برخی ادعا کرده اند که «امنیت یعنی توسعه و توسعه یعنی امنیت» (موسوی زنوز، ۱۳۹۳: ۱۱۸). این موضوع برخی را بر آن داشته است تا اذعان نمایند بعد اقتصادی مهمترین بعد تهدید امنیت ملی است (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۴).

می‌توان گفت چنانچه قدرت اقتصادی زمینه‌ساز فرصت‌سازی باشد، ضعف بنیان‌های اقتصادی نیز موجبات تهدیدزدایی و فرصت‌سوزی را فراهم خواهد کرد. می‌توان پیامدهای امنیتی ضعف اقتصاد ملی را این گونه بیان کرد: ضعف مدیریت ملی در رقابت‌های بین-المللی، تحدید شعاع نفوذ قدرت ملی در نظام بین‌المللی، آسیب‌پذیری فزاینده دولت ملی در قبال تهدیدات موجود در محیط بین‌المللی (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۴). بوزان نیز معتقد است: «... تأمین بنیه مالی، فنی و تولیدی در زمینه قدرت نظامی است که دولت‌ها را به سوی صنعتی شدن پیش می‌راند. چون جنگ آخرین گزینه است، در کسب قدرت نظامی حداکثر اتکای به خود بهتر است. کنترل نکردن منابع قدرت نظامی باعث دوام آسیب‌پذیری می‌شود که در فضای بسیار نامطمئن شرایط جنگی، می‌تواند ویرانگر باشد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۷۳).

باید توجه نمود اگر شرایط اقتصادی یک کشور به هر دلیلی در وضعیت خوبی نباشد، ابعاد سخت‌افزاری (توان خرید و یا ساخت تجهیزات و جنگ افزارها) و نرم‌افزاری (سیاست‌گذاری‌ها و طراحی راهبردی) قدرت به نوعی تحت تأثیر قرار گرفته و افول می‌کند. حتی می‌توان گفت نوع راهبرد کشورها به لحاظ آفندی-پدافندی بودن، تا حدی برآیند متغیرهای اقتصادی است. همچنین در صحنه داخلی اگر نظامی بتواند با استفاده از اهرم‌های اقتصادی بر کارآمدی خود بیفزاید، مقبولیتش نیز افزایش پیدا می‌کند و فرایند بازتولید نظام با اقتدار طی خواهد شد. (جهانبزرگی، ۱۳۸۸: ۴). توان اقتصادی هر کشوری ن در حفظ استقلال و حاکمیت ملی نقش اساسی را بازی می‌کند و برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی بویژه برای کشورهای دارای اهداف وسیع سیاسی و ایدئولوژیک مهمترین عامل محسوب می‌شود. بر اساس این معادلات نوین است که می‌توان در کنار مؤلفه‌هایی

چون قدرت نظامی، مشروعیت سیاسی و برخورداری از منابع حیاتی طبیعی، جایگاه ویژه‌ای برای توانمندی اقتصادی در نظر گرفته و امنیت ملی را بر مبنای این متغیرها تبیین نمود (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۵).

مبحث مهم دیگر مسئله دفاع ملی است. دفاع ملی از کارکردهای اقتصاد سیاسی ملی است. در حال حاضر با تحول در نحوه پیوند و تأثیرگذاری عناصر سازنده اقتصاد سیاسی، مفهوم دفاع از قالب تنگ نظرانه گذشته خود یعنی تقویت صرف قدرت نظامی خارج شده است. با این مفهوم که دفاع ملی تحقق نخواهد یافت مگر آنکه تمام بخش‌ها و عناصر سازنده اقتصاد ملی از جمله نیروهای اجتماعی، تعامل سازنده‌ای با هدف بسیج و بکارگیری توان کشور در حوزه‌های مختلف برای تأمین نیازهای جامعه شامل حفظ هویت بومی، نظم، افزایش سلامت، مبارزه با فقر، توسعه آموزش، گسترش فناوری، افزایش رفاه و تولید اقتصادی و همزمان حضور مقتدر در اقتصاد سیاسی بین‌المللی داشته باشند (شکوه، ۱۳۹۱: ۱۱۸). دفاع ملی خیری عمومی است که فقط شامل حفظ نظم داخلی و جلوگیری از تهدید خارجی نمی‌شود و همه مردم حتی با ارزش‌های متفاوت از این خیر برخوردار می‌شوند. بدیهی است اقتصاد نقش اساسی در تأمین هزینه دفاع و به تبع آن امنیت ملی دارد. رویارویی با محدودیت اقتصادی و بدهی عمومی چالش بزرگی برای دفاع ملی است. مسئله اساسی ایجاد تعادل میان هزینه‌های نظامی مقابله با تهدید و فراهم آوردن شغل و رفاه برای شهروندان و رونق فناوری است. واضح است که کشور با بنیه اقتصادی قوی و خلاق بهتر می‌تواند در صورتی بروز تهدید نظامی از خود دفاع کند. همچنین اقتصاد از عوامل و عناصری است که برای نمایش و اعمال قدرت در عرصه خارجی لازم است. رویکرد جدیدی نیز احیا شده است که حکایت از شیوه قدیمی مربوط به رابطه بین اقتصاد و دفاع ملی دارد. این شیوه تفکر در اصطلاح، «پایه صنعتی دفاع» نامیده می‌شود. بر این اساس، صرفاً اقتصاد تولیدکننده می‌تواند منابع ضروری تأمین مخارج نظامی را عهده دار شود (شکوه، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۹۰).

۳-۴. اقتصاد مقاومتی و ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی

هدف اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها، تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. همچنین اثبات کارآمدی نظام اقتصادی کشور بین نظام‌های اقتصادی دنیا، اقتصاد قوی و پایدار، استقلال سیاسی، اقتدار بین‌المللی و بقای کشور، مرجعیت بین‌المللی، تحقق و اعتلای عزت اسلامی، عدالت اجتماعی، برون رفت از چرخه معیوب خام فروشی و ایجاد چرخه‌های ارزش‌افزا در اقتصاد، تبدیل دانایی به دارایی، ایجاد چرخه تبدیل سرمایه‌های مشهود و نامشهود، تبدیل وابستگی‌های تهدیدزا به مبادلات متقارن و وابستگی‌های دوسویه مزیت‌آفرین، ایجاد هم‌پیوندی و مزیت‌های مبادلاتی پایدار با کشورهایی که زیر نفوذ مستقیم دشمن نیستند، توان‌افزایی محرومان و اقشار ناتوان از طریق کارآمدسازی نظام تأمین اجتماعی، افزایش ظرفیت مالیاتی کشور و قطع وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت، هم‌تکاملی صنایع راهبردی و اقتصادی‌سازی برنامه‌های توسعه فناوری از مهمترین اهداف اقتصاد مقاومتی است (فرزندی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶).

تورم و بیکاری نشانگرهای خوبی برای اندازه‌گیری مقاومت اقتصادی هستند. روشن است که این دو شاخص کاملاً با اقتصاد مقاومتی در ارتباط تنگاتنگ هستند، زیرا اگر کشوری با سطح بالای بیکاری و تورم مواجه باشد، کوچکترین شوک بیرونی می‌تواند هزینه‌های سنگینی را بر آن اقتصاد تحمیل نماید. در عوض یک اقتصاد متعادل با نرخ تورم و بیکاری قابل قبول در مواجهه با تحولات ناخوشایند بیرونی، بدون تحمل هزینه‌های رفاهی بالا می‌تواند ایستادگی نماید. با این وصف می‌توان گفت این دو متغیر از بعد «قابلیت هضم شوک‌ها»، در زیر مجموعه شاخص مقاومت اقتصادی می‌گنجد (ملکی، ۹۳، ۱۶).

ایجاد اشتغال یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد مقاومتی است. اشتغال از این جهت حائز اهمیت است که با داشتن تأثیرگذاری از حیث مقبولیت و مشروعیت حکومت نزد شهروندان و از جهت انعکاس در رفتارهای بهنجار و نابهنجار اجتماعی (در ارتباط با حفظ نظام سیاسی) با موضوعات امنیت ملی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، سطح

مناسبتی از اشتغال احتمالا بازتابی از فضای رشد و توسعه اقتصادی است که رضایتمندی شهروندان را به مثابه نتیجه منطقی در بر دارد (پوراحمدی و ذولفقاری، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی از بین بردن فساد اقتصادی و نابرابری اقتصادی است. نابرابری یا بی‌عدالتی اقتصادی می‌تواند مخصوصاً هنگامی که این مسئله با احساس تبعیض، تحقیر و ظلم در میان گروهی از شهروندان همراه باشد برای امنیت ملی تهدید مهمی تلقی شود، زیرا بی‌عدالتی به انحاء مختلف می‌تواند ثبات نظام سیاسی را مورد تهدید قرار داده و آن را در برابر فشارهای بحران ساز قرار دهد (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۹۹).

نابرابری اقتصادی و بی‌عدالتی علاوه بر ثبات نظام سیاسی، از طریق تهدید یکپارچگی ملی و سرزمینی، امنیت ملی را در معرض چالش قرار می‌دهد. با توجه به این نکته که متغیر انسجام ملی و تمامیت سرزمینی قویاً تحت تأثیر نحوه توزیع ارزش‌ها از جمله ارزش‌های اقتصادی قرار دارد، این نتیجه حاصل می‌شود که بی‌عدالتی اقتصادی می‌تواند تمامیت ملی و سرزمینی را در معرض تهدید قرار دهد. احساس محرومیت نسبی بخصوص زمانی مشکل‌ساز می‌شود که با نوعی احساس تبعیض از سوی حکومت به خاطر ملاحظات قومی، مذهبی و فرهنگی همراه شود (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

امروزه با عنایت به اقتصاد مقاومتی، مهمترین اولویت اقتصاد ایران، اقتصاد مردمی و درون‌زاست و تنها با پیگیری این روند امکان خروج از چرخه فقر و محرومیت، انباشت مطالبات بدون پاسخ، رفع فساد و اختلالات در امنیت اقتصادی امکان‌پذیر است. جمهوری اسلامی ایران از این قابلیت برخوردار است که با عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی نظیر مبارزه با فقر و بیکاری و تورم، طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، کاهش وابستگی به نفت، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم، نه تنها اثرات تحریم را خنثی کند، بلکه از شرایط تحریم به‌عنوان فرصتی در راستای ارتقای امنیت و تأمین منافع ملی خود استفاده کند (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۳).

رهبر معظم انقلاب در یکی از بیانات خود اظهار می‌نماید که کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی میراث شوم ۱۰۰ ساله است. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد استفاده کنیم و بکوشیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگر جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصادی انجام داده‌ایم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳، به نقل از کامفیروزی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۰).

نفت شاه‌رگ حیاتی ایران است. تلقی ثروت نفتی به‌عنوان درآمد، موجب معضلات مهمی بر نظام‌های تک محصولی می‌شود. چنین برداشتی نظام اقتصادی - سیاسی و بطور کلی امنیت ملی را فوق‌العاده در قبال تحریم‌های خارجی آسیب‌پذیر می‌سازد (نصری، ۱۳۸۰: ۱۳۴). در کشور ما وابستگی بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تورم و بیکاری به افزایش یا کاهش درآمدهای نفتی از سمت عرضه و تقاضا در مطالعات بسیاری اثبات شده است و این در حالی بوده است که به جای آنکه نگاه سرمایه‌ای به آن داشته باشیم و از این مزیت نسبی در سرمایه‌گذاری استفاده شود، نگاه هزینه‌ای به آن داشته‌ایم. وجه مشخصه اقتصاد ایران طی پنجاه سال اخیر وابستگی شدید آن به درآمدهای ارزی و ریالی ناشی از صادرات نفت خام است. این ویژگی موجب شده است که اقتصاد کشور به شدت از نوسان‌ها و تغییرات قیمت نفت خام در بازارهای جهانی متأثر شود و در نتیجه هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی را با بی‌ثباتی مواجه کند.

با توجه به اینکه دولت ایران وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد و به نوعی اقتصاد ایران یک اقتصاد تک محصولی است، اعمال تحریم‌های اقتصادی، نفتی و بانکی نه تنها میزان تولید و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را کاهش داده است، بلکه دسترسی ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت را نیز با مشکلات فراوان مواجه کرده است. بنابراین ضروری‌ترین و مؤثرترین راه برای مقابله و کاهش پیامدهای تحریم‌های نفتی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در تأمین بودجه و هزینه‌های جاری کشور است. اتخاذ

راهبردهایی نظیر بهبود محیط کسب و کار و خصوصی سازی، ارتقای توانمندی های بخش خصوصی، جذب سرمایه های خارجی و به کارگیری سرمایه های داخلی، ساده سازی نظام مالیاتی، گسترش نظام مالیاتی، تلاش برای جلوگیری از فرار مالیاتی و افزایش توان مالیات ستانی، با استقرار نظام جامع مالیاتی در کشور و ... در راستای کاهش وابستگی به نفت ضرورت دارد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۱).

با جهانی شدن اقتصاد فرایندهای مالی و اقتصادی در سطح ملی دیگر نمی تواند تابع سازوکارهای داخلی و تصمیم گیری دولت ها باشد (صادق زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۴). در این مسیر دایما بخش عمده ای از اقتصاد جهان به تجارت اختصاص می یابد و شرایط جهانی نیز به گونه ای تحول یافته که صنایع و تولیدات کشورها نیز وابستگی بیشتری به تجارت می یابند و حاکمیت و خوداتکایی دیگر به معنی بستن مرزها، تولید و مصرف همه چیز در محدوده مرزهای ملی نیست، بلکه اقتصاد بیش از هر زمان، رنگ تجارت به خود گرفته و برای ادامه حیات نیازمند پیوندهای جهانی است (سلیمی، ۱۳۹۲، ۵۴). در دهه گذشته ثابت شده است که همکاری با دیگر اقتصادهای ملی می تواند رشد و توسعه را بیشتر تقویت کند و دکترین ملی گرایانه اقتصادی مدرن برای بهره گیری از این فرصت های اقتصادی انعطاف پذیرتر شده اند. مثلاً یک دولت به منظور توسعه و ترویج صنایع محلی و بومی خود به این مسئله تشویق می شود که بازارهای جدیدی در خارج از مرزهای خود به وجود آورد و آن را توسعه دهد (Szakonyi, 2007, 6).

به همین دلیل برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی که فراروی جمهوری اسلامی است نمی توان صرفاً به سیاست های اقتصادی ملی بدون توجه به اقتصاد جهانی متکی بود. اقتصاد مقاومتی در واقع اقتصاد درون گرا با نگاه به برون است و باید برای تحقق آن از ظرفیت های داخلی با برنامه ریزی استفاده کنیم. رهبر معظم انقلاب نیز در این مورد مطالب زیادی مطرح فرموده اند: مثلاً بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱ اینگونه است: اقتصاد مقاومتی درونزاست؛ یعنی از دل ظرفیت های کشور و مردم می جوشد. رشد این

نهال به امکانات کشور متکی است. اما اقتصاد مقاومتی درونگرا نیست؛ یعنی اقتصاد کشور محدود و محصور به داخل کشور نمی‌شود. این اقتصاد با اقتصاد جهانی تعامل دارد و با قدرت با آنها روبرو می‌شود؛ پس اقتصاد مقاومتی درونزا است، ولی درونگرا نیست (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۶). یک اقتصاد با ویژگی اقتصاد مقاومتی باید تلاش کند تا نقش تأثیر گذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند، به طوری که اعمال هر گونه تحریمی علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد جهانی را با مخاطره مواجه سازد (ممینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳). به طور دقیق اقتصاد مقاومتی الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور، متکی به امکانات کشور (درون‌زا)، متعامل با اقتصادهای جهانی (برون‌گرا)، اقتصادی مردمی (مردم‌بنیاد)، اقتصادی بر پایه دانش (دانش‌بنیان)، مبتنی بر تولید ثروت و افزایش ثروت ملی (عدالت محور) و همیشه‌یاور است (فرزندی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۵).

اقتصاد مقاومتی اگرچه در پایه نگاه به داخل و بهره‌برداری حداکثری از منابع و ظرفیت‌های داخلی است، ولی به هیچ وجه به معنای حصار کشیدن به دور خود و بستن مرزها نمی‌باشد. بلکه بالعکس، به معنای ارتباط وسیع، فعالانه و آگاهانه با دنیای خارج از مرزها است. به همین دلیل در اقتصاد مقاومتی علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی دارد. یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی به کارگیری دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی است، یعنی با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و منابع انرژی ملی در چارچوب دیپلماسی انرژی، در راستای تأمین منافع و امنیت ملی گام بردارد. به بیان دیگر، از انرژی به مثابه یک ابزار سیاسی برای تأمین منافع ملی استفاده کنیم (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲).

به طور کلی هرچه کشورمان سهم بیشتری از اقتصاد جهانی داشته باشد و از حجم بالاتری در مبادلات جهانی برخوردار باشد، تأثیرگذاری بیشتری بر روندهای منطقه‌ای و

جهانی بر جای می‌گذارد. مزیت برجسته شیوه اخیر این است که سبب می‌شود هزینه‌های سنگین ایجاد و تأمین امنیت انرژی در درون مرزهای سیاسی، یعنی خوداتکایی در تأمین امنیت به کشور تحمیل نگردد و امنیت انرژی کشور به همسایگان و نزدیکترین شرکای منطقه‌ای پیوند بخورد، ضمن آنکه امکان آسیب‌پذیری امنیت ملی در شرایط تهدید کاسته شود. لذا پیوندهای منطقه‌ای خصوصا در عرصه همکاری‌های انرژی یک راهبرد ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که منجر به افزایش همکاری و اشتراک منافع ایران با کشورهای منطقه، اروپا، چین و هند و برآیند آن، بر ارتقا و تحکیم مبانی ثبات، اقتدار و عزت جمهوری اسلامی نمودار می‌شود. به این ترتیب، پیوستن به روند مبادلات منطقه‌ای و جهانی که منجر به عملیاتی شدن عرصه وابستگی متقابل چندجانبه در روابط اقتصادی، انرژی، سیاسی و امنیتی کشور می‌شود، ضمن کاهش تهدیدها علیه کشور با افزایش نقش و تأثیرگذاری آن، دستیابی به امنیت ملی را تسهیل می‌کند. از این رو استدلال می‌شود که در بعد سیاسی احترام به امنیت و منافع ایران امری است که می‌توان از همکاری انتظار داشت (پوراحمدی و ذولفقاری، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

می‌توان با در نظر گرفتن ابعاد داخلی و خارجی اقتصاد مقاومتی به نقش آن در استوار نمودن مبانی اقتصاد ایران پی برد. پر واضح است که با کاربست و اعمال دقیق و صحیح اقتصاد مقاومتی می‌توان نارسایی‌های اقتصادی در داخل را ترمیم نموده و با مشارکت فعالانه در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی به نیازهای داخلی پاسخ داد. بنابراین اقتصاد مقاومتی به معنای منزوی شدن از اقتصاد جهانی نیست. در واقع هدف گردش سرمایه در داخل کشور و رونق کسب و کار و تولید است که زمینه اشتغال مناسبی را برای جمعیت بیکار فراهم کرده و به جای برنامه‌ریزی برای واردات، امکانات داخلی در جهت صادرات به کار گرفته خواهد شد.

با تکیه بر اقتصاد مقاومتی اقتصاد کشور از وابستگی به نفت رهایی یافته و صادرات غیرنفتی به مرور جای نفت را در بازارهای جهانی خواهد گرفت. اقتصاد مقاومتی اقتصادی مبتنی بر دانش، ابزارها، استعدادهای ملی و درونمایه خودباوری است. شرکت‌های دانش بنیان باید در کشور به اندازه‌ای توانمند باشند که هر لحظه اراده گردد که چاه‌های نفت را بسته شود هیچ مشکل اقتصادی برای کشور ایجاد نشود. با تشکیل شرکت‌های دانش بنیان فرایند خام فروشی می‌تواند به فرآورده‌هایی با ارزش افزوده بالا تبدیل شود که این فرآورده‌ها علاوه بر تأمین نیازهای داخلی کشور، قابلیت صادرات داشته باشند و بتواند بازارهای منطقه‌ای را به دست آورد. حمایت از تولید و اتکا به تولید داخلی در تنظیم بازار به منظور برطرف شدن نیاز بازار داخلی و افزایش صادرات غیرنفتی مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود که اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است.

برای دستیابی مقتدرانه به اقتصاد مقاومتی فرهنگ‌سازی و ویژگی‌های نیروی جهادی در فرهنگ عمومی، آگاه‌سازی و گفتمان‌سازی پیرامون اولویت‌های اقتصادی توسط نهادهای فرهنگی - رسانه‌ای، شفافیت و عدالت در اطلاع رسانی شرایط و فرصت‌ها، فرهنگ‌سازی مصرف، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین جامعه بسیار مورد تأکید است. از طرفی دیگر، مبارزه با مفاسد اقتصادی مساوی است با اعتمادسازی برای فعالیت اقتصادی، همچنین قانونگذاری حمایتی، فرهنگ‌سازی در حوزه تولید ملی و مصرف داخلی، ایجاد حس امنیت برای دولت، سرمایه‌گذار و کارگر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. باید اضافه نمود که زیرساخت‌های اجتماعی و نهادها (شیوه تفکر اجتماعی، ارزش‌ها، نهاد، عرف و فرهنگ) بر رشد اقتصادی تأثیر بسزایی دارد که در چارچوب خانواده، آموزش، اقتصاد، حکومت و دین متبلور است. در مراحل بعد باید هر چه بیشتر به نیروی کار و سرمایه بومی متکی بود. باید توجه نمود که برای نیل مقتدرانه به دستاوردهای اقتصاد مقاومتی، توجه به تمام ابعاد اقتصاد مقاومتی لازم و ضروری است. از مهمترین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی می‌تواند تأمین منابع لازم برای دفاع ملی باشد. نتیجه کلی این است که اگر مبانی و اصول

اقتصاد مقاومتی به دست فراموشی سپرده و عملیاتی نشود، کیان نظام اسلامی زیر فشار تحریم‌های تحمیلی به شدت در معرض آسیب خواهد گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱) اخباری، محمد، قلی زاده، صدیقه (۱۳۹۴). «ثبات اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه روند**، سال بیست و دوم، پاییز، صص ۷۸-۵۵.
- ۲) بوزان، باری (۱۳۷۹). «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سوم، شماره سوم.
- ۳) بی نیاز، علی (۱۳۹۰). «تحولات اخیر خاورمیانه و تحریم اقتصادی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳، صص ۶۱۱-۵۷۹.
- ۴) پوراحمدی، حسین، ذولفقاری، مهدی (۱۳۸۸). «دیپلماسی انرژی: منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **دانش سیاسی**، شماره ۲، صص ۱۸۴-۱۵۲.
- ۵) پوریان، عزت الله (۱۳۸۹). «مطبوعات، جرائم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی»، **فصلنامه مطالعات اجتماعی**، شماره ۲۲، صص ۸۵-۶۲.
- ۶) تراب زاده جهرمی، محمدصادق، سجادیه، علیرضا، سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). «بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۴۶-۳۱.
- ۷) تودارو، مایکل (۱۳۷۷). **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- ۸) جهانبزرگی، احمد (۱۳۸۸). «نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار، صص ۴۲-۱۱.
- ۹) حسینی، عبدالرضا، رفیعی آتانی، عطاالله، حسینی، محمد حسین (۱۳۹۳). «بررسی جایگاه فرهنگ در اقتصاد مقاومتی»، **دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۴۸-۱۲۲.
- ۱۰) خلیلی، حسام الدین (۱۳۹۱). «مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی»، **نشریه کارآگاه**، شماره ۲۰، پاییز، صص ۴۳-۲۴.

- ۱۱) زارع زاده، رسول (۱۳۹۲). «الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلف های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۸-۷.
- ۱۲) زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، **نشریه کارآگاه**، دوره دوم، سال دوم، شماره ۷، تابستان، صص ۵۶-۲۴.
- ۱۳) سلیمی، حسین (۱۳۹۲). **نظریه های گوناگون در مورد جهانی شدن**، تهران: سمت.
- ۱۴) شکوه، حسن (۱۳۹۱). «اقتصاد و دفاع ملی: چارچوبی برای مطالعه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۲۰-۹۴.
- ۱۵) صادق زاده، سلمان (۱۳۹۴). «چالش های دولت ملی در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه دولت پژوهی**، سال اول، شماره ۲، تابستان، صص ۱۳۶-۱۱۲.
- ۱۶) عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲). **نظریه های امنیت**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ایران معاصر.
- ۱۷) عربی، حسین (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، **فصلنامه سیاست کلان**، سال دوم، شماره ۲، بهار، صص ۲۶-۹.
- ۱۸) عسگری، محمود (۱۳۸۳). «درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفتم، شماره اول، بهار، صص ۵۰-۳۱.
- ۱۹) فدایی، مهدی، درخشان، مرتضی (۱۳۹۳). «تحلیل اثرات کوتاه مدت و بلند مدت تحریم های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، **فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی**، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار، صص ۱۳۴-۱۱۴.
- ۲۰) فرزندی اردکانی، عباسعلی، یوسفی، میثم، عنان پور خیرآبادی، مجید (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش ها و راهبردها»، **فصلنامه پژوهش های معاصر انقلاب اسلامی**، دوره اول، شماره ۱، بهار، صص ۸۷-۶۳.
- ۲۱) قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲). «عدالت اقتصادی و امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۶۱، پاییز، صص ۱۱۴-۹۰.

- ۲۲) کامفیروزی، محمد حسن و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۸۷-۵۹.
- ۲۳) کریمی مله، علی، بابایی، اکبر، امیرخانی، کاوه (۱۳۸۹). «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره ۳، ۱۰۹-۸۳.
- ۲۴) لامعی، بهزاد، استاد حسین، رضا (۱۳۸۰). «بررسی قابلیت‌های بخش صنایع معدنی در تحقق اهداف اقتصاد بدون نفت»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، شماره ۲۰، صص ۲۵-۵۶.
- ۲۵) ماندل، رابرت (۱۳۷۷). **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. (۲۶)
- ۲۷) مسعودنیا، حسین، ابراهیمی، علی، مرادی، اسدالله (۱۳۹۳). «تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی»، **فصلنامه راهبرد اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان، صص ۷۹-۴۳.
- ۲۸) ممینی، یعقوب، رمضان پور، اسماعیل، مرادی، محمود (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی راهکار عبور از تحریم‌ها (مطالعه موردی: کشور جمهوری اسلامی ایران)»، **کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم**، مازندران، ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۲، صص ۴۶-۳۰.
- ۲۹) ملکی، لیلی (۱۳۹۳). **مبانی اقتصاد مقاومتی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳۰) میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز، صص ۷۸-۵۰.
- ۳۱) میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). **نظام اقتصادی اسلام؛ مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳۲) نصری، قدیر (۱۳۸۰). **نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۳) نوید نیا، منیژه (۱۳۸۵). «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه های امنیت»،

فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۱، صص ۷۲-۵۳.

۳۴) نوید نیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**،

شماره ۱۹، صص ۷۵-۵۴.

- 35) Buzan, Bary (2006). <<http://www.Ise.ac.UK/People/b.g.buzan@ise.ac.UK>.
- 36) Buzan and Ole Waver (2000). Regions and Power: The structure of International Security (New york: Cambridge university Press.
- 37) Fusfield Daniel (1988). Economics: Principles of Political Economy (3ed Edition: Gelview Scot, Foresman.
- 38) Jentleson, Bruce (2007). "sanctions against iran: key issues", a century foundation report.
- 39) Mohammad nia, magdi (2010). "Understanding Iran's Foreign Policy: An Application Of Holistic Constructivism", Turkey, Alternatives Turkish Journal Of International Relations, Vol. 9, No. 1, Pp: 148-180.
- 40) Szakonyi, David (2007). "The Rise Of Economic Nationalism Under Globalization And The Case of Post- Communist Russia", The School Of Russian And Asian Studies, access in: http://www.sras.org/economic_nationalism_under_globalization.
- 41) Steve Smith (2006). Positivism and beyond in international theory: Positivism Beyond, (New york: Cambridge university Press.
- 42) The World of Security Or Security of World.<<http://www.Ise.ac.articles.uk.com>.